

آیا سجده بر غیر زمین جایز است!؟

سجده بر زمین (وَجْه الْأَرْضِ) در پیشگاه خدا از افضل اعمال بوده و به خضوع و فروتنی در برابر حقّ نزدیکتر است فَطُوبَى لِلسَّاجِدِينَ لِلَّهِ عَلَيْهَا. با این همه در اینجا دو نکته وجود دارد. یکی آنکه تحقیق کنیم آیا سجده بر غیر زمین (غیر سنگ و خاک) شرعاً جایز است یا نه؟

دوّم آنکه ببینیم اگر کسی بر وَجْه الْأَرْضِ سجده نکند ولی بر روی فرش یا گلیمی نماز گزارد و قطعه سنگ یا پاره خشتی را در موضع سجده قرار دهد و پیشانی را بر روی آن نهد چه صورتی دارد؟

در مورد مسئله نخست باید دانست که سجده بر غیر خاک و سنگ، شرعاً جایز و صحیح است، چه از دیدگاه قرآن کریم و چه از دیدگاه سنت رسول الله ﷺ.

اما از نظر قرآن در آیه ۳۷ سوره کریمه فَصَلَّتْ می خوانیم:

﴿لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ﴾.

یعنی «برای خورشید و ماه سجده نکنید. برای خدایی سجده کنید که آنها را آفریده است». وجه استدلال به آیه شریفه آن است که در این آیه، عمل خورشیدپرستان و ماهپرستان را «سجده» شمرده با اینکه آنها، مقید به سجده بر خاک و سنگ نبوده و نیستند و همین که آفتاب یا ماهتاب در اتاقشان تابید و یا از افق سر زد، در همان اتاق به سجده می رفتند. و قرآن مجید نیز کار آنها را سجده می شمرد جز آنکه می فرماید همین عمل را برای خدا انجام دهید نه برای مخلوقات او. پس لزومی ندارد که سجده حتماً بر خاک و سنگ واقع شود و هُوَ الْمَطْلُوب.

أما از نظر سُنَّت، در آثار وارده از کبار صحابه رسیده که رسول خدا ﷺ مکرر بر حصیر و مسح (پلاس) و بساط (آنچه بر زمین می گسترند) و دُرُتُوك (نوعی از فرش) سجده می نموده است (علاوه بر اینکه به زمین نیز سجده کرده است). اینک به نمونه هایی از آثار صحابه در این باره توجه نمایید:

«عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَوَجَدَهُ يُصَلِّي عَلَى حَصِيرٍ يَسْجُدُ عَلَيْهِ». (صحیح

مسلم، ۱/۴۵۸).

یعنی: «از ابی سعید خُدْری گزارش شده که بر رسول خدا ﷺ وارد شد و او را یافت که بر حصیری نماز می گزارد و بر آن سجده می کند».

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسْجُدُ عَلَى مِسْحٍ». (الجامع الصغیر سیوطی ۲/۱۱۷).

یعنی: از ابن عباس رضی الله عنهما گزارش شده که گفت رسول خدا ﷺ بر پلاسی سجده می کرد».

«عَنْ عِكْرِمَةَ قَالَ صَلَّى بِنَا ابْنِ عَبَّاسٍ عَلَى دُرْتُوكٍ قَدْ طَبَّقَ الْبَيْتَ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ عَلَيْهِ، فَقُلْتُ أَتَّصَلِي عَلَى

هَذَا؟ قَالَ نَعَمْ، رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي وَيَسْجُدُ عَلَيْهِ». (السُنَنُ الْكُبْرَى اثر بیهقی، ۲/۴۲۶).

یعنی: «از عکرمه گزارش شده که گفت ابن عباس بر فرشی که تمام اتاق را فرا گرفته بود

(به امامت) بر ما نماز خواند و بر آن فرش رکوع و سجود نمود، بدو گفتیم: آیا بر این فرش نماز می‌گزاری؟ گفت آری، رسول خدا ﷺ را دیدم که بر آن نماز می‌گزارد و سجده می‌کرد.

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ صَلَّى عَلَيَّ بِسَاطٍ ثُمَّ قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ بِسَاطٍ». (السُّنَنُ الْكُبْرَى، ۴۳۷/۳).

یعنی: از ابن عباس گزارش شده که بر فرشی نماز خواند سپس گفت رسول خدا ﷺ بر فرشی نماز گزارد.

آثار وارده در این باره فراوان است و در کتب شیعه نیز پاره‌ای از آثار آمده که با مندرجات بالا موافقت دارد و از مجموع آنها مستفاد می‌شود که سجده بر غیر خاک و سنگ نیز جایز است.

أما مسئله دوم که آیا جایز است به هنگام نماز بر فرش یا پلاسی، پاره سنگ یا قطعه خشتی بر آن نهیم و سجده کنیم؟ جواب آن است که رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي». یعنی: «چنان نماز گزارید که دیدید من نماز می‌گزارم».

و در هیچ‌یک از آثار سنّی و شیعی نیامده که رسول خدا ﷺ به هنگام نماز بر بساط یا حصیرش، سنگ یا پاره خشتی بر روی آن نهاده و سجده کرده باشد.

آری، پیامبر گرامی مکرر بر روی زمین نماز می‌گزارد و به هنگام داغ بودن ریگها (نه همیشه) سنگی را بر می‌داشت و در دست خود، خنک می‌ساخت سپس آنرا در میان سنگها می‌افکند و بر آن سجده می‌کرد تا پیشانی‌ش نسوزد اما این کار را در غیر مواقع داغ بودن زمین انجام نمی‌داد و بویژه هرگز بر روی فرش و بوریا قطعه‌ای سنگ یا خشت نمی‌نهاد و این کار، از مستحدثات دوران‌های بعد است و کمترین مدرکی در این باره از عمل رسول خدا ﷺ در دست نداریم. و عجب آنکه بزرگان صحابه حتی از اینکه بیماران (که قادر بر سجده نبودند) شیء معینی را به پیشانی برسانند نهي می‌نمودند و دستور می‌دادند که بیماران در رکوع و سجود فقط سر را خم کنند نه آنکه مَهر به پیشانی برسانند! چنانکه در سنن کبری بی‌هقی می‌خوانیم: «عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَى عْتَبَةَ أُخِيهِ وَهُوَ يُصَلِّي عَلَى مِسْوَاكِ يَرْفَعُهُ إِلَى وَجْهِهِ فَأَخَذَهُ فَرَمَى بِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَوْمِ إِيمَاءً وَلَتَكُنْ رَكَعَتُكَ أَرْفَعُ مِنْ سَجْدَتِكَ». (السُّنَنُ الْكُبْرَى، ۴۷۷/۲).

یعنی: «از عبدالله بن مسعود آمده که او بر برادرش عتبه وارد شد در حالی که وی نماز می‌گزارد و بر مسواکی سجده می‌کرد و آنرا بلند نموده به صورتش می‌رساند. ابن مسعود آن مسواک را از او گرفت و به کناری انداخت سپس گفت: «در وقت سجده به اشاره سجده کن و رکوع تو باید بلندتر از سجودت باشد (به هنگام سجود، سر خود را بیشتر خم کن)».

و عبدالرزاق در المصنّف آورده است که کسی از عبدالله بن عمر سؤال کرد: «أَيُّصَلِّي الرَّجُلُ عَلَى الْعُودِ وَهُوَ مَرِيضٌ؟». آیا جایز است که مرد به هنگام بیماری، بر چوب عود نماز گزارد؟ ابن عمر پاسخ

داد: «لا أَمْرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا!! مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يُصَلِّيَ قَائِمًا فَلْيُصَلِّ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَجَالِسًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَمُضْطَجِعًا يَوْمِيَّ إِيَاءً». (المصنّف، ۲/۴۷۶).

یعنی: «به شما دستور نمی‌دهم که غیر از خدا بت‌هایی را انتخاب کنید! هرکس توانایی دارد که ایستاده نماز گزارد پس ایستاده نماز را برگزار کند، و اگر نتوانست نشسته بخواند، و چنانچه قادر نبود خوابیده نماز گزارد، (و به هنگام رکوع و سجود) اشاره کند».

آری، بزرگان صحابه نمی‌خواستند که مسلمانان بر اشیاء معینی به عنوان «مُهر نماز»! سجده کنند و آنان را از این کار منع می‌نمودند و فلسفه این موضوع نیز روشن است چرا که نماز، امری مقدّس به شمار می‌رود و در صورتی که ابزار ویژه‌ای (مانند مُهر) داشته باشد به تدریج آن ابزار نیز مقدّس خواهد شد و مایه پرستش می‌گردد چنانکه امروز ملاحظه می‌کنیم به نزد برخی، مُهر نماز مقدّس گشته و آن را می‌بوسند و بر بالای دیده می‌نهند و از آن شفاء می‌طلبند. پس اگر کسی از قواعد فقه اسلامی آگاه باشد لازم است به عنوان «سدّ ذرائع» از اینگونه اعمال جلوگیری کند تا مُهرپرستی رواج نیابد، نه آنکه این بدعت را توسعه بخشند و مردمی را که مستعدّ پرستش اشیاء هستند به خطر شرک نزدیک کند.

امروز، مبارزه با این قبیل عادات مذهبی، نوعی خدمت به توحید شمرده می‌شود. أمّا اینکه نوشته‌اند: از عائشه نقل شده که گفت: ندیدم رسول خدا ﷺ به هنگام سجده بر زمین، پیشانی خود را با چیزی از گزند زمین حفظ کند! این سخن درست است و اصل روایت در مصنّف عبدالرزّاق (۱/۳۹۷) بدینصورت آمده: «عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: مَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مُتَّقِيًا وَجْهَهُ بِشَيْءٍ تَعْنِي فِي السُّجُودِ».

جز آنکه اولاً در سند این روایت اشکالی وجود دارد زیرا در سند آن می‌خوانیم: عبدالرزّاق عن ابن عُيَيْنَةَ عن مالك بن مغول عن سَمْعِ بْنِ شَرِيحِ بْنِ هَانِيٍّ عن أَبِيهِ يُحَدِّثُ عَنْ عَائِشَةَ... چنانکه ملاحظه می‌فرمایید: مالک بن مغول از کسی حدیث را گرفته که او از شریح ابن هانی شنیده است ولی خودش معلوم نیست که چه شخصی بوده؟ آیا محدث ثقه‌ای بوده یا فردی مغرض؟

بنابراین، روایت فوق سندش به راوی مجهولی می‌رسد و از درجه اعتبار ساقط است! این به لحاظ سند. اما به لحاظ متن، حدیث عائشه با آنچه از دیگر صحابه از رسول خدا ﷺ آوردیم منافات ندارد زیرا پیامبر یا بر روی حصیر و بساط نماز می‌خوانده و سجده می‌کرده و یا بر روی زمین، و در هر صورت، چیزی را میان صورت خود و سجده‌گاهش حائل نکرده است.

أمّا اگر کسی بخواهد از این روایت چنین نتیجه بگیرد که رسول خدا ﷺ همیشه بر روی زمین نماز می‌خوانده و مثلاً هیچگاه بر بوریا و حصیر، نماز نگزارده!! در این صورت با ده‌ها حدیث دیگر که مورد اجماع شیعه و سنی است مخالفت نموده و سخنش از درجه اعتبار ساقط است.

عجب آنکه بیهقی از خود عائشه گزارش نموده که رسول اکرم ﷺ بر روی «بَت»^(۱) یعنی بساط چرمی نماز خوانده و از قول وی می نویسد: «إِنِّي رَأَيْتُهُ ﷺ صَلَّى يَوْمَ مَطِيرٍ أَلْقَيْنَا تَحْتَهُ بَتًا» (السُّنَنُ الْكُبْرَى، ۴۳۶/۲).

خلاصه: آنکه سجده بر زمین، واجب نیست لیکن افضل است و مراد از این سجده، سجده‌ای است که مستقیماً بر روی زمین انجام گیرد نه آنکه بر روی فرش صورت پذیرد به طوری که پاره خاک یا قطعه سنگی را زیر پیشانی نهند! که این، کاری مستحذث می‌باشد و رسول خدا ﷺ به چنین صورتی سجده نکرده است.

آری! رسول خدا ﷺ گاهی بر سجاده کوچکی که باندازه صورت و دو دستش بود نیز سجده می‌کرد که از شاخ و برگ درخت خرما بافته شده بود و آنرا «خُمَرَه» می‌گفتند. در مسند احمد بن حنبل آمده است: «إِنَّ النَّبِيَّ سَجَدَ عَلَى الْخُمَرَةِ»^۲ در شرح سنن اَبی داود (عون المعبود) آمده است: از آنرو سجاده مزبور را خمره می‌گفتند که صورت را از سرما و گرمای زمین می‌پوشاند و حفظ می‌کرد.^۳

خلاصه آنکه رسول خدا ﷺ بر زمین و بساط و حصیر و درنوک و خمره و... سجده می‌نموده و به‌مراه خود مُهر نماز نداشته است.

در آستانه ماه مبارک رمضان سال ۱۴۱۲ هجری قمری

(۱۳۷۵/۱۲/۱۳) مصطفی حسینی طباطبائی

(۱) - البَت جمعش بُتوت به معنای پارچه کلفت (= ثوب غلیظ) یا بساط چرمی (= نطع) است.

^۲ - مسند احمد، ج ۲، ص ۹۲ و ص ۹۸.

^۳ - عون المعبود، ج ۱، ص ۲۴۸.